

عوامل پارچه پارچه شدن دین اسلام به مذاهب وگروههای متعدد، وادامه آن ؟

(عدم درک واقعی و مفهومی دین اسلام و کلام الهی ، منافع شخصی یا تجارت بالای دین و تحریف احکام دینی با پیروی از خرافات، منافع زبانی، قومی، قبیله‌ای، سیاسی و اقتصادی ، عامل عمده می باشد)

بخش یازدهم :-

نتیجه گیری :

در بخشهای قبلی بصورت عموم از دین اسلام و عوامل پارچه پارچه شدن آن به مذاهب و فرقه های مختلف ، عقاید و باورهای یکتعداد مذاهب توضیحات مختصر ارائه نمودم.

باتذکر مختصر اینکه دین یا آیین عبارت از مجموعه‌ای عقیده و باور انسانان به خداوند (ج) یا به ذاتی می باشد که به چشم ندیده ، اما عقیده راسخ بر موجودیت و هدایاتش میداشته باشند، است . اعتقادات متذکره در پیروان همه ادیان وجود دارد.

طوری که بملاحظه میرسد این اعتقادات بین مسلمانان بالعموم بشکل واقعی، مورثی و تظاهری می باشد:

مسلمان واقعی احکام دین اسلام (اصول و فروع) را قلباً طوریکه خداوند متعال هدایت داده و پیامبر اسلام تطبیق آنرا لازم دانسته، انجام داده و میدهند. تاریخ اسلام و تاریخ و طنما طی سالهای ظهور اسلام ، شاهد صدها روحانی بوده که با ایمان واقعی و صداقت در جهت رفاه خلق الله عمر خویش را وقف نموده و مناسبات واقعی و قلبی با یزد متعال داشته، احکام دینی را با نظر داشت رعایت حقوق سایر انسانان با روحیه صلح ، اخوت و برابری، شرایط زمان و مکان انجام داده و میدهند.

مسلمانان مورثی که از دین اسلام معلومات لازم ندارند، به دو دسته عمده تقسیم نمود: ۱- این مسلمانان بخاطر درک از اسلام مورثی، تلاش در جهت فراگیری اسلام واقعی تحت رهنمائیهای علمای حقیقی اسلام نموده ، و از اسلام در جهت رعایت حقوق انسانان از جمله مسلمانان استفاده مثبت نموده و مینمایند

۲- که کتله عظیم از مسلمانان بخصوص هموطنان ما را تشکیل میدهند بر علاوه بیسوادی و عدم فهم و درک از معنی و مفهوم کلام الهی، تحت تاثیر عوامل مختلف از جمله جنگهای تحمیلی اقتصادی - سیاسی که در کشورهای عقب گذاشته شده و اسلامی ، بکمک روحانیونیکه دین را وسیله قرار داده اند، به راه انداخته شده است، قرار میگیرند، آنان طبق پلانهای از قبل ترتیب شده و یا تصادفی ، تحت تاثیر خطابه ها، و عظ

و تبلیغات دروغین و احساساتی ملانماها قرار گرفته ذهنیت این دسته مسلمانان را تغییر میدهند. و با شستوشوی مغزی آنان را در گروه ها و سازمانهای خویش جذب، و در تطبیق اهداف شوم خویش استفاده مینمایند.

بعضاً این مسلمانان در حوادث و قضایای تصادفی بدون تعقل و علم آوری احساساتی شده مرتکب جنایات نابخشودنی میگرددند مثال عمده آن (لت و کوب، چاقو زدن، زدن، زیر موتر نمودن، بدربیا انداختن و سپس سوختاندن خانم مسلمان افغان در مسجد شاه دوشمشیره کابل « شهید فرخنده » توسط مسلمانان مورثی احساساتی که توسط ملا یا تعویض نویسنده مسجد اتهام قرآن کریم سوختاندن به آن مرحومه مغفوره بسته شد به همین شکل گروه های تروریستی طالبان، داعش و... از مسلمانانیکه از اسلام واقعی اطلاع لازم ندارند، سربازگیری نموده، و آنان را به کشتارگاه های جنگ اعزام میدارند.

مسلمانان ظاهری عبارت از آن اشخاصی میباشد که تحصیلات در رشته علوم دینی تا درجات مختلف علمی نموده اند. اما بدبختانه دین را وسیله حصول منافع شخصی خویش قرار داده، بشکل مستقل و یا ایجاد مذاهب و سازمانهای افراطی که هسته شان را استخبارات کشور های مختلف رهبری، کمک مادی و نظامی مینمایند، میباشد، سازمانها و یا تنظیمهای شان مرتکب جنایات بس عظیم در سطح جهان و کشورها گردیده و سلسله جنایات شان ادامه دارد.

نتیجه اعمال چنین مسلمان نماها تجاوز به حیات، حقوق و آزادی انسانان میباشد. مثال عمده آن قتل و کشتار هزاران طفل، جوان، زن، مرد را تحت نام جهاد با حملات انتحاری در کشورها و سایر کشورها، بمگذاریهایی، تجاوز به مال و ناموس مردم، طور مثال تجاوز جنسی برصد ها دختر و زن در شهر بشریه عراق و بعداً قتل و وحشیانه آنان و... **آیا اسلام چنین حکم مینماید ؟**

این مسلمانان ظاهری بودند و هستند که تحت نام اسلام مصروف زراندوزی، غصب و چور و چپاول دارائیهای عامه و خصوصی، تجاوز به حقوق و آزادیهای افراد، بخصوص طبقه انانث که نصف جوامع بشری را تشکیل میدهند، میباشد.

تاریخ اختلافات در اسلام نشان میدهد که ریشه آن در زمان پیامبر اسلام جوانه زده بود زیرا، جامعه اسلامی از نظر ایمان و تسلیم در برابر روحی الهی، بگونه ای بود که نمیتوانستند از اختلاف دور باشند. گروهی از نظر ایمان و اعتقاد در برابر دساتیر پیامبر (ع) تسلیم بودند. چون از یکطرف هدایاتش بخاطر اصلاح جامعه بود و از جانب دیگر پیامبر اسلام را شخص عاری از گناه و خطا یافتند، لذا خود را مکلف به پیروی از هدایات پیامبر میدانستند. اما در مقابل گروه هایی بودند، که بر اثر ضعف ایمان و نبود شناخت کامل از پیامبر، در موضع مقابل شان، اظهار مقاومت و ایستادگی میکردند و دساتیر شان را بعضاً نادیده میگرفتند. نمونه هایی از این نافرمانیها در کتب مختلف تاریخ اسلام آمده است.

بارحلت پیامبر اسلام تعداد قابل ملاحظه به عوض این که متوجه مراسم خاکسپاری پیامبر اسلام گردند، بر مسئله جانشین پیامبر (ص) اختلاف میان قبایل بخصوص قبیله انصار و قریش ظهور نمود.

یکتعداد از مسلمانان بر این عقیده بودند که هیچ شخص جز نبی اکرم (ص) حق تشریح، تفسیر و تبیین احکام الهی را ندارد. و پیامبر از طریق اتصال به منبع غیب، از احکام الهی مطلع میشدند و موظف به تبلیغ آن احکام بودند. پس از پیامبر اسلام طبق نص و تصریح ایشان، ائمه (ع) برای تبیین احکام الهی (نه تشریح آن) منصوب شده اند.

بعداً اختلافات در فروع دین و طرق تطبیق فروع دین مانند تفاوتها در شکل و تعداد رکعت نماز، شکل وضو نمودن، نماز بالای فرش، سوره های به شکل قرائت و غیره موضوعات بروز نمود.

با ایجاد مذاهب کلامی که طرفدار قدرت و حریت انسان بوده و معتقد اند که انسان در رفتار و کردارش آزاد است و هر کس مسئول رفتار خودش میباشد و خداوند افعال بنده گان را به خود شان وا گذاشته است،

چراکه احادیث اصیل پیامبر و احادیث جعلی بنام پیامبر توسط یکتعداد از صحابه بیان شده است. لذا عقل و خرد را جهت پیروی از اسلام واقعی ضروری میدانند.

اما اهل حدیث، قرآن کریم و سنت پیامبر (ع) را اساس عقاید خود قرار داده و منکر عقل و رسالت آن در عقاید و اصول دین اسلام میباشند. بدین اساس دین اسلام را در محدوده و شرایط چهارده قرن پیش بدون در نظر داشت پیشرفت علم و دانش، ترقی و تمدن، شرایط زمان و مکان میدانند، علم کلام و استدلال عقلی را بدعت و حرام میدانند.

هرگاه مذاهب و فرقه های تشکیل شده را به دقت مطالعه نمائید، همه این فرقه ها و مذاهب در اصول دین اعتقاد واحد دارند یعنی پرستش خداوند یکتا، برحق بودن محمد (ص) و رسیدن روز آخرت. اما در تطبیق فروع دین، شکل و سلیقه آن باهم در جنجال و تفرقه میباشند. به سبب اینکه اکثر منافع رهبران و ایجاد کننده گان مذاهب و فرقه ها در آن نهفته است. خیلی تاسف آور است که با داشتن عقیده مشترک، چرا اسلام را پارچه پارچه نمود، و با ایجاد نفاق، مذاهب مختلف را بوجود آوردند.

در حالیکه اسلام بر معنویت و اعتقاد راسخ استوار است هرگاه در اعتقاد منافع مادی، شخصی، فامیلی، قومی ملیتی و... دخیل شود، اسلام واقعیت خود را که داشتن اعتقاد قلبی به ایزد متعال میباشد (قلب و ضمیر انسان در جهت شناخت و انجام هدایات الهی) از دست داده، عظمت طلبی، تجارت بالای دین و مذهب که در آن منافع رهبران مذهبی میباشد، صورت میگیرد. قرار اسناد، کتب دینی و صفحات انترنتی، اسلام به مذاهب مختلف ذیل و بیشتر از آن وجود دارد، طور مثال گروه های تروریستی که در کشورهای پاکستان، افریقای، عربی و سایر نقاط جهان تحت نام جهاد عملاً مصروف انجام جنایات میباشند، بیشتر از این ارقام میباشد.

اینک لست مذاهب اسلام و شاخه های مربوطه آنرا بشکل الفبا جهت معلومات شما ترتیب نموده ام. قابل تذکر است که اساس این مذاهب و فرقه ها ذیل مذاهب سنی و شیعه تشکیل میدهد:

۱ - اباحیه	۲ - اباضیه	۳ - ابراهیمیه	۴ - اثری	۵ - احمدیه
۶ - اخنسیه	۷ - اسماعیلیه	۸ - اسواریه	۹ - آزارقه	۱۰ - آقاخانیه
۱۱ - اشاعره	۱۲ - اطرافیه	۱۳ - افضیحه	۱۴ - القاعده	۱۵ - الحمزه
۱۶ - اهل حدیث	۱۷ - اهل حق	۱۸ - اهل حدیث شیعه	۱۹ - اهل سنت	۲۰ - بابکیه
۲۱ - باقریه	۲۲ - براهمه	۲۳ - برغوثیه	۲۴ - برقعیه	۲۵ - برکوکیه
۲۶ - بریلوی	۲۷ - بسلمیه	۲۸ - بقلیه	۲۹ - بکریه	۳۰ - بکتاشیه
۳۱ - بومسلمیه	۳۲ - بیهسیه	۳۳ - تصوف	۳۴ - تناسخیه	۳۵ - ثعالبه
۳۶ - ثنویه	۳۷ - جارودیه	۳۸ - جبریه	۳۹ - جریریه	۴۰ - جنبلاطیه
۴۱ - جهمیه	۴۲ - جواربیه	۴۳ - جوالیقیه	۴۴ - حارثیه	۴۵ - حازمیه
۴۶ - حبشیه	۴۷ - حربیه	۴۸ - حروریه	۴۹ - حروفیه	۵۰ - حسنیه
۵۱ - حنفی	۵۲ - حسینیه	۵۳ - حشویه	۵۴ - حلمانیه	۵۵ - حلویه
۵۶ - حماریه	۵۷ - حمزویه	۵۸ - حفصیه	۵۹ - حنابله	۶۰ - حنفیه
۶۱ - خداشیه	۶۲ - خلیفه	۶۳ - خرمدینیه	۶۴ - خشبیه	۶۵ - خطابیه
۶۶ - چشتیه	۶۷ - خوارج	۶۸ - داعش	۶۹ - دروزیه	۷۰ - دسوقیه
۷۱ - دونمه	۷۲ - دیوبندیه	۷۳ - رافضیه	۷۴ - راوندیه	۷۵ - رباطیه
۷۶ - رشیدیه	۷۷ - رفاعیه	۷۸ - زنادقه	۷۹ - ریادیه	۸۰ - زیدیه
۸۱ - سبائیه	۸۲ - سبطیه	۸۳ - سلفیه	۸۴ - شافعیه	۸۵ - شانزلیه

۸۶- شعوبیه	۸۷- شیبانیه	۸۸- شمراخیه	۸۹- شمیطیه یاسمیطیه	۹۰- شیخیه
۹۱- شیطانیه	۹۲- سهرودیه	۹۳- شعیبیه	۹۴- صلتیه	۹۵- صلفیه
۹۶- صوفیه	۹۷- صفویه	۹۸- صفریه	۹۹- طالبانیزم	۱۰۰- طحاویه
۱۰۱- طغیه	۱۰۲- ظاهریه	۱۰۳- عاذریه	۱۰۴- عجارده	۱۰۵- عثمانیه
۱۰۶- عدلیه	۱۰۷- عزمیه	۱۰۸- عماریه	۱۰۹- علویه	۱۱۰- عیساویه
۱۱۱- غلات شیعه	۱۱۲- فاطحیه	۱۱۳- فاضلیه	۱۱۴- قادیانیه	۱۱۵- قدریه
۱۱۶- قرامطه	۱۱۷- قزلباشیه	۱۱۸- قصمیه	۱۱۹- قطعیه	۱۲۰- کاملیه
۱۲۱- گنوسییه	۱۲۲- کرامیه	۱۲۳- کیسانیه	۱۲۴- ماتریدییه	۱۲۵- مالکیه
۱۲۶- مبارکیه	۱۲۷- محکمه	۱۲۸- محمدیه	۱۲۹- مرجئه	۱۳۰-
مجهولیه	۱۳۱- مشبهه	۱۳۲- مشعشعیان	۱۳۳- معبدیه	۱۳۴- مطرفیه
۱۳۵- معتزله	۱۳۶- معدومیه	۱۳۷- معطله	۱۳۸- مفوضه	۱۳۹- معلومیه
۱۴۰- مولویه	۱۴۱- میونیه	۱۴۲- موسویه یا اثنا عشری	۱۴۳- ملامتییه	۱۴۴-
منصوریه	۱۴۵- مهدویان	۱۴۶- مهلبیه	۱۴۷- ناوسییه یا صارمیه	۱۴۸- ناصریه
۱۴۹- نصیرییه	۱۵۰- نزاریه	۱۵۱- نعمت اللهیه	۱۵۲- نجدات	۱۵۳- نقطویه
نقشبندییه	۱۵۵- نوربخشیه	۱۵۶- واقفیه	۱۵۷- وهابیت	۱۵۸- هشامیه
۱۵۹- یزیدییه	۱۶۰- یعقوبیه	۱۶۱- یونسییه	۱۶۲- قرآنیان	۱۶۳-

چرا آنان چنین جفای بزرگ بر اسلام نموده و مینمایند ؟

بر هر مسلمان لازم است تا، در قسمت فهم و درک عقیده خویش، دین اسلام سعی و تلاش بیشتر نماید. تا بتواند در تحقق عقیده خود موفق شده و به آرمان خویش برسد.

چرا که هدایات الهی (قرآن کریم) رهنمای زندگی مسلمانان از نظر عقیده تی میباشد. هرگاه عقیده و ایمان مسلمان تکمیل نباشد، نمیتواند (حقوق فردی، حقوق اجتماعی، شناخت آزادیهای خود و سایر انسانان، مکلفیت های خود را در مقابل فرد و اجتماع بداند، انجام فرایض دینی بصورت واقعی و قلبی را طوریکه لازم است انجام دهد.) مانند قاضی که در رشته علم حقوق تحصیل نکرده باشد و برمسند قضا بنشیند. لذا یکی از معضلات عمده فعلی در جامعه ما ، موجودیت تعداد قابل روحانیون ظاهری میباشد.

چنانچه بملاحظه رسیده، طی قرنهاییکه اسلام ظهور نموده، عملکرد بعضی رهبران مذهبی سبب بروز نفاق، جنگ و کشتار مسلمانان گردیده و میگردد. طور مثال و هابیون فتوای دادند که کشتار شیعیان مباح و مال و جان شان حلال است. فتوای مذکور تا بحال سبب قتل صدها هزار مسلمان در نقاط مختلف جهان شده و میشود. به همین شکل در کشور ما از بغاوت روحانیون نماها در مقابل امان اللد خان شاه ترقیخواه، ایجاد تنظیمهای هفتگانه و هشتگانه بنام اسلام و جهاد، که همه رهبران شان مرتکب قتل، کشتار ترور، چور و چپاول اموال و جای دادهای مردم و بیت المال شده و فعلا به ملاکین و سرمایه داران تبدیل شده اند. در حالیکه به اصطلاح بدون هیچ نوع بیل زدن این سرمایه و جای دادها را تصاحب نمودند (تنها دین و مذهب را بیل و کلنگ زدند.)

با ذکر مطالب فوق و توجه به واقعیت اسلام ، باید در رفع معضلات فعلی مردم و کشور ما ، بدرجه اول دولت وظیفه دارد تا طبق قوانین اساسی مطروحه در جهت فهم مردم مسلمان از معنی و مفهوم قرآن کریم مطابق پلان ترتیب شده، در مکاتب از صنف اول الی دوازده مکاتب معنی سی سپاره قرآن کریم را تدریس و مردم مسلمان کشور را از مطالبیکه به آن عقیده و ایمان دارند مطلع بسازد. علاوه دولت باید به دانشمندان

و عالمان واقعی دین وظیفه بدهد که قرآنکریم را به لسان های پشتو، دری و سایر زبانهای محلی ترجمه نموده و بدسترس مردم بگزارند تا مردم به چیزیکه ایمان و اعتقاد دارند. بفهمند..

روحانیون محترم واقعی کشورما با درک وظیفه اخلاقی، ایمانی و انسانی خویش در روشن نمودن عقاید اتباع کشورما که ۹۹ فیصد مسلمانان میباشند، وظیفه خویش را انجام دهند.

به امید درک واقعی همه مسلمانان، بخصوص مسلمانان کشورما

از مفهوم واقعی اسلام که دین صلح، اخوت و برابری میباشد

با احترام عبدالواسع غفاری